

نقش و توضیحات در

مشاهده‌ی عینی و خاطره‌ها در پژوهش‌های عینی

مباحثی آکادمیک پیرامون پرسپکتیو در مطالعات علوم انسانی

شهاب ستوده‌نژاد

پیش‌گفتار

لفظ پرسپکتیو به‌طور مستی در هنر نقاشی برای اشاره به تناسب، اندازه و تطبیق فرم‌ها و موضوع‌ها به‌کار گرفته می‌شده است. چشم‌انداز به‌این لفظ در علوم انسانی نوعی نگرش به ویژگی‌ها، و کنجکاوی‌های خاص به موضوع‌های پژوهشی و منجر به‌نشر و نمای عقاید و تجزیه و تحلیل‌های جدید است. اتکا به مشاهده‌ها یکی از اصول آکادمیک در بررسی‌های قومی و مردم‌شناسی، و در عین حال جامعه‌شناسی و تاریخ هنر و پژوهش‌های فرهنگی - تطبیقی است. باستان‌شناسی نیازمند مشاهداتی است، هر چند که امر مشاهده تنها اصل و یا شرط لازم در مطالعات علوم انسانی نیست.

نقش مشاهده‌های عینی در پژوهش

در بعضی رشته‌های تخصصی، حضور در محیط لازمه‌ی تحقیق و بررسی‌ها است. در مطالعات زیست‌شناسی به‌همان اندازه مهم است که در مطالعات جغرافیایی. مردم‌شناسی نیز در بُعدهای دوگانه‌اش، مستلزم حضور پژوهشگر در مکان محیط زیستی، از جمله در روستاها و قبیله‌ها و حتا غارها و دره‌ها، و بلندی‌های سر‌کره‌ی و بیشه‌ها و جنگل‌ها و یا به‌عبارت دیگر منطقه‌های دورافتاده و خارج از محدوده، و یا منزوی است. این‌گونه منطقه‌ها، محل سکونت مردمانی است که یا راه و روش زندگانی ابتدایی دارند، و یا قادر به‌وفق دادن خود با محیط زیست مدرنیته و متداول در معیارهای شهرنشینی نیستند. نگارنده در دوره‌ی کارشناسی ارشد در دانشگاه سیاتل، واحدهایی را گذراندم که شامل حضور آوارگان جنگ و پتانم از دهکده‌های مختلف، و دیگر آواره‌های مهاجر هندوچین در کلاس‌های درسی ما جهت فراگیری روش

آموزش زبان انگلیسی به بزرگسالان در میان اقلیت‌های قومی بود. زنان و تنامی و هندوچینی، با لباس‌های بومی خودشان با کودکان شیرخوار و کم‌سن و سال در این کلاس‌ها حضور داشتند. در این دوره، ما قادر بودیم با مشاهده‌ی ویژگی‌های اخلاقی و عکس‌العمل‌های اجتماعی روستائیان هندوچین، و دیگر آگاهی‌های به‌دست آمده از طریق سرشماری‌ها و آمارهای رسمی دولت ایالات متحد، و سازمان ملل با تمامی دشواری‌ها و نیازهای آوارگان آشنایی پیدا کنیم. انگیزه‌ی اصلی حضور آوارگان در کلاس‌هایمان، توجه به نیازهای عاطفی و احترام به کاستی‌های اجتناب‌ناپذیری بود که زنان خانه‌دار، و مادر بزرگ‌های پا به‌سن در میان آن‌ها، در رابطه با یادگیری زبان و آداب و روش‌های شهرنشینی در کشور پیشرفته‌ای به‌مانند آمریکا داشتند. پیش‌تر آن‌ها روستازادگانی بودند که حتی در کشورهای اصلی خودشان، فرصت یادگیری و نگارش زبان‌های مادری خود را نیز نداشتند. اما بعد از پذیرفته شدن به‌عنوان مهاجر در ایالات متحد، چاره‌ای جز یادگیری زبان و اصول، و روش‌های آسایش‌آور زندگی غربی، نداشتند. خوشبختانه، پیش‌تر آن‌ها را به منطقه‌های روستایی و کشاورزی، و رودخانه‌ای در نقاط مختلف آمریکا اسکان دادند، و بسیاری از مردان و شوهران آن‌ها، در حرفه‌های ماهی‌گیری، و دامپروری و دیگر مشاغل سنتی، به‌امرار معاش مشغول شدند.

در نهایت، شناخت دشواری‌ها، و تضادهای فرهنگی از درجه‌ی مشاهده‌های عینی، می‌تواند دید را توسعه دهد، و به‌نگرش بیافزاید. سفر و سیر و سیاحت نیز یک راه دیگر، برای بهره‌برداری از مشاهده‌های عینی است. در ایران ما فرصت برخورد با نحوه‌ی زندگانی عشایر، و ایلات کوچ‌نشین و مقیم منطقه‌های کوهستانی و دره‌ها، و یا در مسیر رودخانه‌ها و تپه‌های بلند در ارتفاعات مجاور جاده‌های مسافرتی به‌سمت شمال، و دیگر منطقه‌های کشور، را داریم، و همواره با توجه به ویژگی‌ها و عادت‌ها و رسم‌ها و البسه‌ها و ابزار کاری، و منازل این‌گونه مردمان، قادریم به نتیجه‌گیری‌هایی جامع دست یابیم. این‌گونه مشاهده‌ها، زیربنای پژوهش‌های تطبیقی است. بنابراین در بررسی‌های فرهنگ‌شناسی، مشاهده‌ی ابزار و آلات و اشیاء و روش و فرم‌ها، و رسم‌ها و سنت‌ها، می‌تواند در تشخیص صحیح‌تر پدیده‌ها، نقش عمده‌ای داشته باشد. امروزه، مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی، از جمله علوم هستند که به‌عنوان رشته‌ها و یا واحدهای مرکب تدریس می‌شود، زیرا اصلی و قاعده‌های آن‌ها در رابطه با مشاهده لازم و ملزوم یک‌دیگرند. روشن است که نتایج این‌گونه بررسی‌های پی‌درپی، در درازمدت به‌ظهور پرسپکتیو خواهد انجامید. پرسپکتیو در علوم انسانی، نظریه‌ی تجربه‌ی شده‌ی عینی و یا متمرکز و مداوم و طولانی است، زیرا مستلزم سلسله‌مراتبی آکادمیک و یا عمیق و پخته و موشکافانه است: شناختی است که از طریق گذر از درجاتی دقیق و روشن هموار می‌شود. مردمانی با نحوه‌ی

زندگانی نخستین هنوز در منطقه‌های متروک در فلات ایران و آسیای میانه و جنوب شرقی آسیا، و در آفریقا و آمریکای لاین و حتا در استرالیا و در جزایر منزوری در اقیانوس‌ها به حیات تاریخی خود ادامه می‌دهند، و ظهور شهرنشینی و تمدن ماشینی، هیچ‌گونه تأثیری در عملکردهای روزانه و عقیده‌ی آن‌ها نداشته است.

به عقیده‌ی نگارنده، رجوع به خاطره‌ها نیز به نوعی یک روش پژوهشی است. نگارنده، در خلال سال‌های دهه‌ی ۱۳۸۰ شمسی، همواره از این روش برای ارابه‌ی مقالات علمی در ایران استفاده می‌کردم، زیرا این‌گونه خاطره‌ها، نمایانگر اشاراتی به کاستی‌ها و فرصت‌های ناممکن برای پژوهش‌های گسترده‌تر نیز می‌باشد. به عبارت دیگر، اگر بدانیم که فرصت پژوهش در موضوعاتی را نداریم، می‌توانیم با اشاره‌ی اجمالی و مفید به آن پدیده‌ها و ایده‌ها، توجه دیگر پژوهشگران را به موضوع‌های مهم جلب کنیم. نگارنده با توجه به اینکه میزان ترجیحات و فرصت‌های آینده‌ام برای پژوهش در رابطه با مسایل و موضوع‌های ویژه محدود به عملکردهای انتخابی نخواهد بود، با کاربرد سبک خاطره‌نویسی در مقاله‌ها، بهترین تلاش را برای کنجکاومآزای استادان و دانشگاهیان و پژوهشگران مستقل به‌انجام رسانیده‌ام: مقاله‌های ارابه شده به دانش و مردم، و چیستا، و فرّوهر و دیگر نشریه‌ها در سال‌های اخیر، بیانگر این روش بوده است: توضیحاتی است مفید و با ارزش، که اگر دنبال آن‌ها را بگیرند، به نتیجه‌های جدیدتری متوجّر خواهد شد. در واقع، این‌ها خاطره‌های علمی، و استوار بر پرسپکتیوهای وقت‌گیرنده هستند. پژوهش، نیازمند منابع مالی، و بورسیه‌ها، و امکانات دیگر از جمله مواد اولیه و نرم‌افزار نیز هست، ولی بعضی وقت‌ها، عنصر زسانی اولویت بیش‌تری دارد. در همین حال، سبک و فرم، به همان اندازه که در هنر نقاشی به پرسپکتیو می‌انجامد، در علوم انسانی نیز دارای اعتبار و منزلت است. سبک نگارش و توضیحات آکادمیک، به‌ویژه در نگارش مقاله‌ها، و یا حتا در آماده‌سازی متن برای ارابه از طریق ناشران دانشگاهی، و یا مستقل، مستلزم رعایت قاعده‌ها و سلسله‌مراتب‌هایی است که احترام به آن‌ها، ارزش کوشش‌ها را دوچندان می‌کند. هر نویسنده و پژوهشگری می‌تواند با رجوع به این‌گونه کتاب‌ها و مقاله‌های علمی، از روش به‌کارگرفته شده، الگو بگیرد، و نقد جامعی برای آثارش پاداش بگیرد. پژوهش، پدیده‌ای است علمی، و وابسته به اصل‌های جامعه‌ی آکادمیک جهانی و معیارهایی آکادمیک.